

دکتر راجر گرین، اصلاحات تا به امروز، سخنرانی ۲، کاتولیسیم قرون وسطی

راجر گرین و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر راجر گرین هستم در دوره تاریخ کلیسا، اصلاحات تا به امروز. این جلسه دوم، کاتولیک قرون وسطی است.

اما در مورد اظهارات مقدماتی، با مقدمه‌ای بر دوره بدون شروع سخنرانی اول، فقط می‌خواهم چند نکته را ذکر کنم، فقط به نوعی، تا هنگام مطالعه این دوره در نظر داشته باشید، و قبل از اینکه به اولین سخنرانی برسیم برخی از آنچه که من آنها را ملاحظاتی می‌نامم که دوست دارم هنگام مطالعه الهیات در این دوره به آنها فکر کنید.

خب، خب، یک نکته: ما سعی خواهیم کرد در طول دوره به این موارد وفادار باشیم. خواهیم دید که چقدر خوب عمل می‌کنیم. اما اولین نکته این است که می‌خواهیم در این دوره چه کاری انجام دهیم، که واقعاً رشته تحصیلی اصلی است.

ما می‌خواهیم واقعاً بر آنچه که اصلی است، آنچه واقعاً مهم است، آنچه که واقعاً مهم است تمرکز کنیم. ما به ایده‌ها، رویدادها و افراد اشاره کردیم و واقعاً می‌خواهیم به آن بچسبیم و روی آن تمرکز کنیم. در الهیات خیلی راحت می‌توان از موضوع اصلی منحرف شد و غیره، اما ما می‌خواهیم واقعاً بر آنچه که از اهمیت اساسی برخوردار است تمرکز کنیم.

و گاهی اوقات، ما باید بین آنچه در اینجا از اهمیت حیاتی، اهمیت تغییر دهنده زندگی، و آنچه از اهمیت کمتری برخوردار است، تمایز قائل شویم. و مردم همیشه این تمایزها را قائل نمی‌شوند. بنابراین گاهی اوقات آنها در رشته‌های فرعی، رشته اصلی را انتخاب می‌کنند، یا در رشته‌های اصلی، رشته‌های فرعی را.

بنابراین، ما می‌خواهیم سعی کنیم این کار را انجام دهیم. این یکی از ملاحظات است. ملاحظه دوم این است که ما می‌خواهیم هنگام بحث در مورد الهیات، روحیه فروتنی، روحیه تکریم در صحبت در مورد الهیات و فروتنی در صحبت در مورد الهیات داشته باشیم.

چون همانطور که در این دوره خواهیم دید، الهیات نسبتاً پیچیده است و باید با فروتنی زیادی به آن نزدیک شویم. هیچ یک از ما همه پاسخ‌ها را نداریم. به همین دلیل است که ما در این دوره با هم یاد می‌گیریم.

و من به عنوان یک نمونه، سنت آگوستین را به عنوان یک انسان خوب در نظر می‌گیرم. سنت آگوستین، می‌دانید، البته، آثار زیادی نوشته است، و می‌توانید تصور کنید که اگر سنت آگوستین در زمان ما زندگی می‌کرد، می‌دانید، با یک کامپیوتر چه آثاری خلق می‌کرد؟ منظورم این است که، آثار شگفت‌انگیزی می‌بود.

به هر حال، آنچه او خلق کرد شگفت‌انگیز است. اما سنت آگوستین با فروتنی و احترام فراوان به کل کار الهیاتی پرداخت. او به یک الگو و سرمشق خوب برای ما تبدیل شده است.

او رساله‌ای در مورد تثلیث نوشت، فقط به عنوان یک مثال، و در رساله‌اش در مورد تثلیث، در پایان رساله به نوعی برای اشتباهاتی که ممکن است در صحبت در مورد تثلیث و غیره مرتکب شده باشد، طلب بخشش می‌کند. بنابراین، سنت آگوستین الگوی خوبی برای ما می‌شود. فروتنی فراوان در پرداختن به همه این موضوعات.

نکته سومی که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که تدوین الهیات در حیات کلیسا واقعاً حیاتی بوده است. شما نمی‌توانید حیات و خدمت کلیسا را درک کنید مگر اینکه الهیاتی را که آن را به حرکت درآورده، هدایت کرده و انگیزه داده است، درک کنید. این واقعاً، واقعاً، کاملاً حیاتی است.

و مردم برای الهیات، برای حقایق الهیاتی جان خود را از دست داده‌اند. و بنابراین شگفت‌انگیز است که این حقایق الهیاتی چقدر برای این افراد مهم بوده‌اند، که حاضر بوده‌اند جان خود را فدای این حقایق کنند. بنابراین، تدوین دکترین و اصول عقاید بسیار مهم بوده است.

من مردی به نام ماکسیموس اعتراف‌کننده را به یاد می‌آورم. ماکسیموس اعتراف‌کننده به دلیل نحوه بحث امپراتور در مورد مسائل الهیاتی و غیره، کمی با او اختلاف داشت. و ماکسیموس اعتراف‌کننده حاضر بود در مقابل او بایستد و بگوید، نه، تو در آنچه می‌گویی اشتباه می‌کنی.

شما دارید کلیسا را از هم می‌پاشید و از این قبیل. واقعاً دوران وحشتناکی بود. اما به خاطر دردسرش، ماکسیموس معترف زبانش و دست راستش را بریدند تا دیگر نتواند الهیات درست بگوید یا بنویسد.

مردم به معنای واقعی کلمه به خاطر الهیات زندگی کرده‌اند، مرده‌اند و رنج برده‌اند. بنابراین، این موضوع در حیات کلیسا بسیار حیاتی بوده است و برای حیات کلیسا واقعاً مهم بوده است. چهارم، فقط یک بررسی سریع، و ما این را در این دوره زیاد خواهیم دید.

الهیات، به یک معنا، بازتابی از عصری است که در آن زندگی می‌کنید. بازتابی از تاریخ است. بازتابی از آنچه در تاریخ می‌گذرد.

به یک معنا، تاریخ پرسش‌ها را مطرح می‌کند و الهیات بر اساس کتاب مقدس و بر اساس توسعه الهیاتی کلیسا پاسخی به این پرسش‌ها ارائه می‌دهد. خوب، همیشه نمی‌توانید. ما این را زیاد در این دوره خواهیم دید و همیشه نمی‌توانید بگویید کدام اول می‌آید. آیا تاریخ اول می‌آید و سپس الهیات به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد؟ یا چیزهایی هستند که از نظر الهیاتی برای آن دوره مهم هستند و بنابراین الهیات به نوعی آن دوره را هدایت می‌کند، تاریخ را؟ کدام اول می‌آید؟ تا جایی که به من مربوط می‌شود، این بیشتر یک نوع چرخه‌ای است.

الهیات به سوالاتی که عصر مطرح می‌کند پاسخ می‌دهد، اما از سوی دیگر، الهیات اغلب سوالی را می‌پرسد که تاریخ باید به آن پاسخ دهد. بنابراین، این یک چرخه است. ما قصد داریم آن نوع چرخه تاریخ را همانطور که در اعصار مختلف انجام می‌دهیم، تماشا کنیم.

بسیار خوب، فقط دو نکته‌ی پایانی. نکته‌ی ماقبل آخر این است. در این دوره، هرگز نمی‌خواهم فکر کنید که الهیات انکار رمز و راز است.

الهیات انکار رمز و راز نیست. ما در برابر اسرار بزرگ ایمان در حیرت هستیم. الهیات تلاشی است برای فهمیدن هرچه بیشتر، تا جایی که می‌توانیم با ذهنی که خداوند به ما داده است.

اما در نهایت، ما می‌گوییم که در مواجهه با یک راز بزرگ ایستاده‌ایم. ما سعی نداریم به صورت علمی یا عقلانی تثلیث، مسیح‌شناسی یا توجیه از طریق ایمان را توضیح دهیم. ما سعی در انجام این کار نداریم.

ما سعی می‌کنیم با توجه به روشنگری کتاب مقدس و آنچه کلیسا آموخته است، تا حد امکان آن را بفهمیم. بنابراین، ما سعی می‌کنیم تا حد امکان آن را بفهمیم، اما تشخیص می‌دهیم که اغلب در رمز و راز هستیم. و از این بابت خوشحال هستیم.

ما این را دوست داریم. این فوق‌العاده است. اما از طرف دیگر، وقتی در مورد الهیات بحث می‌کنیم، مغزمان را هم پشت در نمی‌گذاریم.

ما از ذهنی که خدا به ما داده استفاده می‌کنیم تا بفهمیم که الهیات چیست، چگونه به کار می‌رود و غیره. و فقط یک چیز دیگر هم هست. امیدوارم این دوره فقط یک تمرین دانشگاهی برای شما نباشد.

امیدوارم این تمرینی باشد برای اینکه الهیاتی را که درباره‌اش صحبت می‌کنیم، در زندگی خودتان به کار ببرید، در زندگی خودتان، در ذهن خودتان به آن فکر کنید و آن را در زندگی و ذهن خودتان برای الهیات خودتان به کار ببرید. بنابراین، این فقط یک تمرین آکادمیک نیست. امیدوارم برای شما هم چیزی معنادار و به نوعی وجودی باشد.

و امیدوارم وقتی شما از تجربه و درک خودتان به این موضوع رسیدید، بحث خوبی در مورد آنچه که در موردش صحبت می‌کنیم، داشته باشیم. امیدوارم بحث‌های خوب زیادی در مورد آن داشته باشیم، نه تنها وقتی که در لانه شیر برای بررسی متن ملاقات می‌کنیم، بلکه وقتی که اینجا با هم در مورد این مطالب بحث می‌کنیم. خوب، اینها فقط چند نکته مقدماتی بودند که من چند روز پیش مطرح می‌کردم، اما مجبور شدیم به بحث ادامه دهیم تا به نوعی اوضاع به اینجا برسد.

بسیار خوب، من می‌خواهم به درس اول نگاه کنم، و بر اساس شماره درس و عنوان آن پیش می‌روم. این در صفحه ۱۲ برنامه درسی است. این «کاتولیک رومی قرون وسطی و ماهیت عادل‌شمردگی» است.

همانطور که می‌بینید، قرار است به پنج موضوع اصلی پردازم. قرار است در این سخنرانی به پنج کار اصلی پردازم. بسیار خوب، قرار است کمی بعد به ماهیت گناه پردازیم، اما اول از همه می‌خواهم یک مقدمه ارائه دهم.

می‌خواهم بدانید که در این سخنرانی و سخنرانی‌های بعدی، به جان کالوین خواهیم پرداخت. در این سخنرانی کمی درباره لوتر صحبت خواهیم کرد و سپس به کالوین خواهیم پرداخت. اما در این سخنرانی، من درباره کاتولیک رومی معاصر صحبت نمی‌کنم.

من به کلیسای کاتولیک رومی معاصر فکر نمی‌کنم. من به کلیسای کاتولیک رومی در قرن بیست و یکم فکر نمی‌کنم. چیزی که سعی دارم انجام دهم این است که یک تصویر الهیاتی از کلیسای کاتولیک رومی در جهان قرون وسطی، در جهانی که مارتین لوتر و کالوین وارد آن شدند، برای شما ترسیم کنم.

این همان کاتولیک رومی است که من تصویرش را می‌کشم. و لزوماً سعی ندارم هیچ ارتباطی بین آن کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی و کلیسای کاتولیک رومی امروز برقرار کنم. تفاوت‌های زیادی وجود دارد، اما واقعیت این است که کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی دچار مشکل بود.

واقعیت امر این است که کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی با برخی معضلات و مشکلات الهیاتی واقعی روبرو بود که باید با آنها مقابله می‌شد. افرادی مانند کالوین و لوتر از راه رسیدند و این کار را انجام دادند. اما لطفاً توجه داشته باشید که من در مورد کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی صحبت می‌کنم.

فهمیدن و توجه به این نکته واقعاً حیاتی است. خب. حالا، کاری که من با الف، ب، ج و د انجام می‌دهم، ماهیت گناه، برزخ، توبه و بخشش، کاری که سعی دارم انجام دهم این است که تصویری از کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی، الهیات کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی را کنار هم قرار دهم.

مثل یک پازل است، و من سعی می‌کنم این پازل را برای شما کنار هم بگذارم تا بتوانیم عقب بایستیم و به پاسخ اصلاحات خواهد بود. فقط ببینید که E تصویر کلیسای کاتولیک قرون وسطی نگاه کنیم. شماره اصلاحات چگونه به همه اینها واکنش نشان داد، قبل از اینکه به جان کالوین پردازیم. اما امیدوارم بتوانیم تصویری برای شما ترسیم کنیم.

و لزوماً همیشه تصویر زیبایی نیست. اینجا مشکلات واقعی وجود دارد. اما امیدوارم بتوانم تصویر را بکشم، و این یکی به دیگری مربوط است.

وقتی این چهار قطعه پازل را آماده کردید، هر کدام از آنها با یکدیگر تلاقی دارند. به یک معنا، نمی‌توانید یکی را بدون دیگری داشته باشید. بنابراین این کاری است که ما سعی خواهیم کرد انجام دهیم.

بسیار خب. اول از همه، بیایید در مورد اینکه کاتولیک‌های رومی قرون وسطی چه احساسی نسبت به گناه داشتند، چگونه آن را تعریف می‌کردند، چگونه در مورد آن بحث می‌کردند و چگونه در مورد آن صحبت می‌کردند، صحبت کنیم. در واقع، کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی گناه را به دو نوع مختلف گناه تقسیم می‌کرد.

بنابراین، اگر تا الان این را نفهمیده‌اید، پس نمی‌فهمید که اینجا چه اتفاقی می‌افتد وقتی صحبت از ماهیت عادل‌شمردگی در کلیسای قرون وسطی می‌شود. بنابراین، بیایید فقط به دو نوع گناهی که اینجا در موردشان صحبت می‌کنیم اشاره کنیم. اولی گناه کبیره است.

کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی در مورد گناه کبیره صحبت می‌کرد. و من آنها را دارم. هر دو در برنامه درسی شما هستند، اما من آنها را اینجا هم می‌گذارم. چه گناه کبیره‌ای.

بسیار خب. بیایید تعریفی از گناه کبیره ارائه دهیم. گناه کبیره از نظر کاتولیک رومی قرون وسطی چیست؟ گناه کبیره هرگونه تخلف بزرگی علیه قانون خداست.

این یک گناه کبیره است. این هر گونه تخلف بزرگی علیه قانون خدا است، مانند شکستن یکی از ده فرمان، به عنوان مثال. این یک گناه کبیره است.

خب. چرا بهش می‌گن گناه کبیره؟ بهش می‌گن گناه کبیره چون گناهی که آدم رو میکشه. گناهی که روح آدم رو میکشه.

این گناهی است که واقعاً شما را به عذاب ابدی خواهد فرستاد. به همین دلیل است که به آن گناه کبیره می‌گویند. بنابراین این خبر بدی است.

این یه جورایی خبر بدیه. مرتکب گناه کبیره شو. روحت رو می‌کشه.

این شما را به عذاب ابدی می‌فرستد. این خبر بدی است. با این حال، خبر خوب این است که گناهان کبیره را می‌توان و باید اعتراف کرد، و در واقع لازم است که اعتراف شوند.

اگر به گناهان کبیره خود اعتراف کنید، اتفاقی که می‌افتد این است که به خاطر گناهان کبیره خود به مجازات ابدی محکوم نخواهید شد. شما به آنها اعتراف خواهید کرد و از آنها مبرا خواهید شد. اما حتی پس از اعتراف به آنها، همچنان به خاطر انجام آن گناه کبیره مجازات خواهید شد.

پس تو به گناهان کبیره‌ات اعتراف می‌کنی. تو یکی از ده فرمان را زیر پا گذاشته‌ای. تو به گناه کبیره‌ات نزد کاهن اعتراف می‌کنی.

اشکالی ندارد. این به این معنی است که شما تا ابد به جهنم نخواهید رفت. اما شما را از مجازات رهایی نخواهد داد.

هنوز مجازات آن گناه کبیره وجود دارد. شما هنوز باید به نوعی برای آن گناه کبیره مدتی را صرف کنید. حالا به نوعی، برای آن گناه کبیره، هم در این زندگی و هم در زندگی بعدی، مجازات خواهید شد.

خب، گناه کبیره خیلی بده. می‌دونی، زیر پا گذاشتن یکی از ده فرمان خیلی بده. پس این اولین گناه کبیره‌ست.

بنابراین، می‌خواهیم کمی آن اصطلاح و معنایش را به خاطر بسپاریم. حال، نوع دوم گناه، گناه قابل بخشش نامیده می‌شد. حال، اجازه دهید تعریفی از گناه قابل بخشش ارائه دهیم، و سپس در مورد ارتباط این دو با یکدیگر صحبت خواهیم کرد.

اما گناهان قابل بخشش، گناهان کوچک و قابل بخششی بودند که علیه خدا یا علیه همسایه‌مان مرتکب می‌شدیم. گناهان کوچک و قابل بخششی بودند که هم علیه خدا و هم علیه همسایه‌مان مرتکب می‌شدیم. حالا، از نظر فنی، منظورم از نظر فنی این است که گناهان قابل بخشش روح شما را نمی‌کشند.

گناهان صغیره، گناهان کبیره نیستند. آنها روح شما را نمی‌کشند. شما را به عذاب ابدی نمی‌فرستند.

اما وقتی مرتکب گناهان صغیره می‌شوید، هنوز مجازاتی مرتبط با گناهان صغیره‌ای که مرتکب می‌شوید، دارید. بنابراین، من ۲ را با ۲ جمع می‌کنم و به ۵ می‌رسم. آیا این گناه کبیره است یا گناه صغیره؟ اگر ۲ را با ۲ جمع کنم و به ۵ برسم، گناه صغیره است. من قصد انجام این کار را نداشتم.

من قصد بی‌آبرو کردن خدا یا همسایه‌ام را ندارم. فقط یک اشتباه کردم، می‌دانی. نمی‌خواستم این کار را بکنم، اما اشتباه کردم.

حالا، اگر من یک تاجر باشم و ۲ را با ۲ جمع کنم و از شما ۵ بگیرم، این گناه قابل بخشش نیست. این یک گناه کبیره است چون به شما دروغ گفته‌ام. اما اگر فقط ۲ را با ۲ جمع کنم و ۵ شود و مثلاً فراموش کنم یا از ذهنم بگذرد یا چیزی شبیه این، این یک گناه قابل بخشش است.

خب، مشکل اینجاست؟ مشکل این است که شما باید گناهان صغیره را هم اعتراف کنید. بنابراین، اگرچه از نظر فنی، فکر می‌کنم واقعاً لازم نیست این کار را بکنید، باید گناهان صغیره خود را اعتراف کنید. اما مشکل دوم این است که به عنوان یک فرد عادی در کلیسا، و اتفاقاً، ما اینجا در مورد کلیسای قرون وسطایی صحبت می‌کنیم، بنابراین به عنوان یک فرد عادی در کلیسا، شما در روستای کوچک خود در آن دنیای قرون وسطایی می‌میرید. متولد می‌شوید، زندگی می‌کنید و می‌میرید.

شما فرصت سفر و دیدن دنیا و غیره را نخواهید داشت. تمام زندگی شما تقریباً به روستای کوچکتان محدود خواهد شد، و این برای نسل‌های قبل از شما صادق بوده است؛ برای نسل‌های بعد از شما نیز صادق خواهد بود. این دنیای شما خواهد بود.

بنابراین، دنیای شما، دنیای مذهبی شما توسط آن کشیش محلی تفسیر خواهد شد. بنابراین، مشکل این است که مرز باریکی بین گناهان کبیره و گناهان صغیره وجود نداشت. آنچه را که یک کشیش ممکن است گناه صغیره بنامد، کشیشی در روستای بعدی ممکن است گناه کبیره بنامد.

بنابراین، شما تمایز دقیقی بین گناهان کبیره و گناهان صغیره ندارید. بنابراین بدون این تمایز دقیق، بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که به تمام گناهان خود اعتراف کنید و همیشه این کار را انجام دهید تا مطمئن شوید که روحتان برای همیشه نفرین شده نخواهد بود. بنابراین شما یک مسیحی خوب هستید، قرار است به گناهان خود اعتراف کنید، قرار است همیشه این کار را انجام دهید، شاید حتی به گناهی اعتراف کنید که حتی مطمئن نبودید که انجام داده‌اید، اما قرار است به گناهان خود اعتراف کنید زیرا نمی‌خواهید به جهنم بروید.

شما نمی‌خواهید تا ابد نفرین شده باشید، نمی‌خواهید تا ابد از خدا جدا باشید. بنابراین، اعتراف به تمام گناهانتان زندگی روزمره شماست، و این چیزی است که شما در روستای کوچک خود به آن مشغول هستید و باید به کشیش خود تکیه کنید تا به شما بگوید گناه کبیره چیست و گناهان صغیره چیست، اما به نوعی می‌خواهید از خودتان محافظت کنید.

حالا، اگر فقط یک دقیقه به جلو بروید، و ضمناً، وقتی به گناهانتان اعتراف می‌کنید، کشیش شما را از گناهانتان مبرا می‌کند، اما ما در بخش دیگری در اینجا در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بیایید فقط یک دقیقه به جلو برویم تا به مارتین لوتر برسیم. مارتین لوتر وارد صومعه شد؛ مارتین لوتر وارد صومعه شد.

مارتین لوتر یک کاتولیک رومی خوب بود، و وقتی وارد صومعه شد، مارتین لوتر به عنوان یک کاتولیک رومی خوب احساس کرد که واقعاً باید به گناهانش اعتراف کند. دوره‌ای بود که مارتین لوتر وارد صومعه می‌شد و شش ساعت در روز به گناهانش اعتراف می‌کرد. بنابراین، او شش ساعت در روز به گناهانش اعتراف می‌کرد.

او به تمام گناهانش فکر می‌کرد و به آنها اعتراف می‌کرد. حتی اعتراف‌کننده‌اش، پدرش، از شنیدن اعتراف او به تمام این گناهان خسته شده بود و به نوعی پیشنهاد داد که شاید لازم نباشد شش ساعت در روز این کار را انجام دهد. اما کاری که لوتر با اعتراف شش ساعته در روز انجام می‌داد این بود که به نوعی، ترس از کاتولیک رومی بودن در آن دنیای قرون وسطایی را نشان می‌داد.

بنابراین او وقتی شش ساعت در روز به گناهانش اعتراف می‌کند، در حال تأمل در فرهنگ کاتولیک رومی است. مارتین لوتر سرانجام از آن وضعیت خلاص شد، اما با این وجود، این نوع ترس القا شده در مورد گناهان کبیره، گناهان صغیره و لزوم اعتراف برای اینکه به مجازات ابدی محکوم نشوید، در آن جهان قرون وسطایی بسیار قوی است. بنابراین ما باید اینها را، که اولین چیز است، به ماهیت گناه تبدیل کنیم.

این ساده‌ترین چیزی است که می‌توان در مورد این چهار قطعه پازلی که قرار است اینجا به آنها پردازیم فهمید. این ساده‌ترین چیز برای فهمیدن است، و این کوتاه‌ترین چیزی است که با آن سر و کار داریم، اما خدا، شما را حفظ کند. چیزی در مورد گناه کبیره یا گناه قابل بخشش؟ این یک گناه قابل بخشش بود، می‌بینید، گناه قابل بخشش.

قصده نداشتم این کار را بکنم، اما گناه کبیره، گناه قابل بخشش. بله، این یک اشتباه است. اما سوالی که با انجام آن اشتباه در ذهنتان داشتید این بود که آیا از خط قرمز عبور کردم و به یک گناه کبیره تبدیل شدم؟ آیا شدم یا نه؟ به همین دلیل است که لوتر گفت، من روزی شش ساعت اعتراف خواهم کرد

من قصد دارم تمام زمینه‌های مورد نظرم را پوشش دهم. حتی گسترده‌تر هم هست. درست است

ما یک اشتباه را گناه نمی‌نامیم. درست است. اما اگر من در ساعت پنج دو تا و دو تا داشته باشم، و این کار را کرده باشم، این یک اشتباه است

یا اگر بگویم، آیا امروز، چهارشنبه، روز خوبی نداریم؟ این یک اشتباه است. درست است. مشکل این است که، در دنیای قرون وسطی، شما باید به کشیش محلی خود اعتماد می‌کردید تا به شما بگوید، و آنچه یک کشیش ممکن است به شما بگوید گناهی قابل بخشش است. کشیش دیگری ممکن است به شما بگوید گناهی کبیره است

پس شما مطمئن نیستید. بنابراین با این عدم اطمینان، شما همیشه همه چیز را اعتراف خواهید کرد، و به همین دلیل است که لوتر شش ساعت اعتراف می‌کرد. بنابراین، این یک نوع نگاه متفاوت به گناه است

اما به یاد داشته باشید، این کاتولیک رومی قرون وسطایی است که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم. چیز دیگری اینجا وجود دارد. گناه

کسی هست که امروز بخواد در مورد گناه صحبت کنه؟ کسی هست که امروز بخواد به گناه اعتراف کنه؟ گناه. خب، این ساده‌ترین راهه. این ما رو به شروع می‌رسونه

اینجا دکترین برزخ هست. دکترین برزخ. خب، بیایید در مورد دکترین برزخ صحبت کنیم B خب، حرف

در دنیای قرون وسطی خیلی بزرگ بود. برزخ در دنیای قرون وسطی واقعاً، واقعاً بزرگ بود. بسیار خب

اولین چیزی که می‌خواهیم بگوئیم این است که در دنیای قرون وسطی، وقتی غسل تعمید می‌گرفتید، و در دنیای کاتولیک رومی قرون وسطی، شما به عنوان یک نوزاد غسل تعمید می‌گرفتید. در دنیای قرون وسطی وقتی غسل تعمید می‌گیرید، به محض اینکه غسل تعمید می‌گیرید، گناه اولیه شما پاک می‌شود. بنابراین گناه اولیه شما شسته می‌شود

اما به هر گناهی که تا آن زمان مرتکب شده‌اید نیز رسیدگی می‌شود. بنابراین اکنون شما در نوزادی غسل تعمید داده شدید. بنابراین از نظر فنی، به محض اینکه غسل تعمید داده شدید، اگر زنده نمانید تا گناهی مرتکب شوید، بلافاصله به بهشت می‌روید

بنابراین اگر غسل تعمید بگیرید و گناه نکنید، مستقیماً به بهشت خواهید رفت. حالا بعضی‌ها سعی کردند با این موضوع کمی بی‌قید و بند بازی کنند. کنستانتین، یا کنستانتین، گوجه فرنگی، گوجه فرنگی، تا جایی که به من مربوط می‌شود، هر چه می‌خواهید اسمش را بگذارید

امپراتور کنستانتین مسیحی شد، اما تا زمان مرگش غسل تعمید نگرفت. دلیل اینکه او تا زمان مرگش غسل تعمید نگرفت این بود که معتقد بود وقتی غسل تعمید بگیرد و گناه نکند، مستقیماً به بهشت می‌رود. غسل تعمید گناهان اولیه و تمام گناهانی را که تا آن زمان مرتکب شده بود، پاک می‌کند

بنابراین، کنستانتین به همین دلیل تا زمان مرگش منتظر غسل تعمید ماند. این چیز خوبی نیست. این به نوعی مثل بازی رولت روسی است.

اما به هر حال، اگر غسل تعمید بگیری و بمیری، به بهشت خواهی رفت. برای اکثر مردم، اینطور نیست. اکثر مردم در نوزادی غسل تعمید می‌گیرند و حدود ۲۰ یا ۳۰ سال زندگی می‌کنند و مرتکب گناه می‌شوند.

بنابراین، هر مؤمنی، به جز کسانی که بلافاصله پس از غسل تعمید می‌میرند، هر مؤمنی وقتی مرتکب گناه می‌شود، مجازاتی دارد که به دلیل گناهی است که مرتکب شده است. و آنها در این زندگی نمی‌توانند از آن مجازات رهایی یابند. آنها قادر به انجام این کار نخواهند بود.

بنابراین کاری که آنها باید انجام دهند این است که در زندگی بعدی از مجازات رهایی یابند. حال سوال این است که آنها کجا قرار است از این مجازات رهایی یابند؟ و جایی که قرار است این مجازات را از دست بدهند مکانی به نام برزخ است. بنابراین برزخ جایی است که همه مؤمنان تعمید یافته پس از مرگ برای مدت معینی به آنجا می‌روند و مجازات گناهی را که در این زندگی مرتکب شده‌اند، می‌پردازند.

آنها دارند مجازات گناهی را که در این زندگی مرتکب شده‌اند، به پایان می‌رسانند. آنها در برزخ تطهیر می‌شوند و فقط در حین تطهیر شدن و بودن، می‌دانید، شما آهن را در آتش قرار می‌دهید. این چه کاری انجام می‌دهد؟ این آهن را تقویت می‌کند.

بنابراین تنها زمانی که آنها در حال پاکسازی هستند، در نهایت می‌توانند با خدا باشند. بنابراین، تنها از طریق آن تجربه است که می‌توانند با خدا باشند. بنابراین، اساساً همه به برزخ، به این مکان مجازات، در واقع، به این مکان پاکسازی خواهند رفت.

چند استثنا در این مورد وجود دارد. یک استثنا این است که اگر شما در راه ایمان شهید شده باشید. اگر در راه ایمان مسیحی شهید شده باشید، قبلاً برزخ را پشت سر گذاشته‌اید.

آن برزخ شماس است. آن تطهیر شماس است. و شهدا بلافاصله به بهشت خواهند رفت.

اگر شما یکی از مقدسین ایمان مسیحی هستید و زندگی نمونه‌ای داشته‌اید، مثلاً مانند مریم، مریم به برزخ نرفته است. مریم به بهشت برده شد و مستقیماً به بهشت برده شد. بنابراین، اگر شما یکی از مقدسین کلیسا هستید که زندگی نمونه‌ای داشته‌اید، به بهشت خواهید رفت، نه به برزخ.

و کمی اینجا در بین مردم عادی مایه‌ی سرافکندگی است، اما روحانیون عالی رتبه، اگر به سطح یک روحانی عالی رتبه، به خصوص یک پاپ، برسید، مستقیماً به بهشت خواهید رفت. به برزخ نخواهید رفت زیرا این زندگی نمونه را دارید، و همچنین این کار نمونه را که خدا به شما داده است انجام دهید. حالا، یک مشکل کوچک وجود دارد، زیرا در دنیای قرون وسطی، بسیاری از روحانیون واقعاً افراد رسوا کننده‌ای بودند.

در قرون وسطی پاپ‌هایی بودند که مایه رسوایی بودند. و این فکر مردم عادی که آنها به بهشت می‌روند، اما من نمی‌روم، من سعی می‌کنم یک زندگی نمونه داشته باشم، سعی می‌کنم گناهانم را اعتراف کنم و غیره، اما این کاردینال رسوا یا این پاپ مستقیماً به بهشت می‌رود، بدیهی است که خیلی به مذاق مردم خوش نمی‌آمد. اما شکی نیست که اساساً همه مؤمنان به برزخ خواهند رفت.

و این همان چیزی است که قرار است باشد. بله، برای مردم کاملاً مشخص بود که کاردینال، پاپ، مستقیماً به بهشت رفته و یا اینکه بعضی از کاردینال‌ها به بهشت رفته‌اند. این خبر پخش می‌شد، درست است؟ با اینکه

آنها در روستای کوچک خود، یک شهر کوچک و غیره زندگی می‌کنند، اما خبر نوع زندگی این افراد، به خصوص بعد از لوتر، پخش می‌شد.

به خاطر لوتر، اختراع چاپ و مارتین لوتر، او خوشحال بود که این حرف را به گوش مردم برساند. بنابراین به این حرف پخش می‌شد. آنها ممکن بود در روستای زندگی کنند که کشیش زندگی بسیار ننگینی داشت، اما کشیش با خوشحالی می‌گفت که او مستقیماً به بهشت می‌رود و نه به برزخی مانند آنها.

و خب، آره، کاملاً منصفانه نبود. برزخ کاملاً منصفانه نبود. اینکه چقدر قراره اونجا باشی معلوم نیست.

بنابراین، بستگی به گناهی دارد که مرتکب شده‌اید و اینکه چه مجازاتی برای گناهانتان در نظر گرفته شده است. اما ما فقط یک دقیقه دیگر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بسیار خب.

برزخ مبتنی بر کتاب مقدس نیست. هیچ ارجاعی به کتاب مقدس از نظر متون مورد قبول پروتستان‌ها وجود نداشت، اما مبتنی بر گزارش کتاب مقدس مورد قبول کاتولیک‌های رومی بود. این آموزه نه تنها بر سنت آموزه‌های کلیسای، بلکه بر دوم مکابیان ۱۲:۳۹-۴۵ نیز مبتنی بود.

بنابراین، اگر زمانی به ذهنم برسد، متن دوم مکابیان را می‌آورم و آن متن را برای شما می‌خوانم. اما آنها احساس می‌کردند که نوعی درک از این موضوع از طریق یک متن کتاب مقدس دارند و نه فقط از سنت. بسیار خب.

حالا، این فرضی است که آنها مطرح می‌کنند. این یک فرض الهیاتی است که اصلاح‌طلبان با آن مخالف خواهند بود. بنابراین، این فرضی است که آموزه برزخ بر اساس آن بنا شده است.

فرض این بود که اگرچه خدا گناهان ما را می‌بخشد، اما مسلماً از طریق خدمت کلیسا و خدمت کشیش گناهان ما را می‌بخشد. اما فرض این است که اگرچه خدا گناهان ما را می‌بخشد، اما با این وجود خدای عادل است که قرار است ما را به خاطر گناهانمان پاسخگو نگه دارد. بنابراین، او به یک معنا، این مجازات را نه تنها در این زندگی، بلکه در زندگی بعدی در برزخ نیز از ما می‌خواهد.

حالا، در نهایت، شما به ملاقات خدا خواهید رفت زیرا برزخ جهنم نیست. برزخ مکانی برای تطهیر مؤمنان است تا به ملاقات خدا بروند. جهنم جدایی کامل از خداست.

اما این نوع از ذات خدا بود که توسط اصلاح‌طلبان مورد بررسی قرار گرفت، زمانی که آنها آمدند و گفتند خب، کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی چه نوع خدایی را در حال توسعه بود؟ آنها چه نوع خدایی را به مردم تحویل می‌دادند؟ و آنها این نوع از خدا را به مردم تحویل می‌دادند که می‌بخشد، اما تقریباً از روی خشم برای گناهی که مرتکب شده‌ایم، مجازات عادلانه‌ای را برای ما، هم در این زندگی و هم در زندگی بعدی، مطالبه خواهد کرد. بسیار خوب، حالا اجازه دهید فقط اشاره کنم که یک فرد کاتولیک رومی معمولی در شهر، چگونه در مورد برزخ فکر می‌کرد. و چهار چیز وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره خواهیم کرد.

یک فرد کاتولیک رومی معمولی در مورد برزخ چه فکری می‌کند؟ این یک تصویر قرون وسطایی از برزخ است. و خب، این فقط یکی از آنهاست، می‌توانید تصاویر زیادی از آن داشته باشید. اما توجه کنید که مردم در حال سوختن هستند، این تطهیر است، این آتش است.

حالا، خبر خوب این است که فرشتگانی وجود دارند که به مردم پس از گذراندن برزخ کمک می‌کنند. فرشتگانی وجود دارند که به مردم کمک می‌کنند تا از این مرحله خارج شوند و به بهشت بروند. با این وجود، این یک تصویر رایج قرون وسطایی از برزخ بود.

خب، اگر شما فقط یک فرد عادی بودید که در روستای خود زندگی می‌کردید و سعی می‌کردید بهترین کار ممکن را در زندگی انجام دهید، چهار چیز در مورد برزخ به ذهنتان می‌رسید. در اینجا چهار چیزی که شما در مورد برزخ فکر می‌کردید، آورده شده است. خب، اول از همه، اولین چیزی که می‌دانستید، این بود که در قلبتان باور داشتید که همه اقوام و دوستانان در برزخ رنج می‌برند.

شکی نیست که همه اقوام شما، همه دوستان شما که قبل از شما فوت کرده‌اند و به زندگی ادامه داده‌اند، در برزخ هستند. و این تصویری است که آنها از برزخ دارند. این نوعی تصویرسازی از رنج کشیدن در آتش است.

بنابراین، این روش خوبی برای فکر کردن به مادر و پدر و برادران و خواهران و دوستانان هنگام فکر کردن به زندگی پس از مرگ نیست. فکر کردن به اینکه آنها به این شکل رنج می‌کشند، واقعاً غم‌انگیز است. خب، این اولین نکته است.

وقتی به اقوام و دوستان فوت شده‌تان فکر می‌کنید، این چیزی است که همین الان به آن فکر می‌کنید. بنابراین این اولین مورد در فرآیند فکری شماست. خب، مورد دوم، دومین چیزی که با اطمینان می‌دانید این است که آنها نمی‌توانند جلوی خودشان را بگیرند.

در برزخ هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند تا به خودشان کمک کنند از این وضعیت بیرون بیایند. اگر سیصد یا چهارصد یا پانصد سال یا هزار سال آنجا باشند، اوضاع همین خواهد بود. آنها به هیچ وجه نمی‌توانند به خودشان کمک کنند.

بنابراین، آنها فقط باید، می‌دانید، پوزخند بزنند و به نوعی آن را تحمل کنند. بسیار خوب، شماره سه، خدا تا زمانی که حس عدالتش ارضا نشود، به آنها کمک نخواهد کرد. بنابراین، شماره سه، این دوباره تصویری از خداست که اصلاح‌طلبان علیه آن واکنش نشان می‌دهند، اما خدا تا زمانی که عدالتش ارضا نشود، به این افراد کمک نخواهد کرد.

وقتی فرشتگان اینجا در تصویر، این دو نفر را که بالاخره از برزخ عبور کرده‌اند، می‌برند، فرشتگان این کار را فقط به این دلیل انجام می‌دهند که عدالت خدا کاملاً در مورد این دو نفر رعایت شده است و آنها تمام مجازاتی را که اکنون برای ملاقات با خدا باید انجام دهند، انجام داده‌اند. بنابراین این سومین مورد است. بنابراین خدا به آنها کمک نخواهد کرد.

حالا سوال این است که این چه نوع دیدگاهی نسبت به خداست؟ این چه نوع دیدگاهی نسبت به خداست؟ خب، شماره چهار، در نهایت، پس کلمه «در نهایت» در اینجا وقتی صحبت از تاریخ برزخ می‌شود بسیار مهم است، اما در نهایت، در تفکر کاتولیک رومی در قرون وسطی، این باور وجود داشت که می‌توانید مدت زمان حضور دوستان و اقوام خود در برزخ را کوتاه کنید. حالا، مدتی طول می‌کشد تا این اتفاق بیفتد. از نظر تاریخی، مدتی طول می‌کشد تا این اتفاق بیفتد، اما در نهایت، سیستمی وجود دارد که کلیسای کاتولیک رومی در نوع سیستم الهیاتی ایجاد می‌کند که از طریق آن می‌توانید به دوستان یا خانواده خود کمک کنید تا مدت زمان حضورشان در برزخ را کوتاه کنند.

در واقع، سیستمی وجود دارد که با آن می‌توانید دوستان و خانواده‌تان را از برزخ بیرون بیاورید. البته، کمی زمان می‌برد تا از این مرحله عبور کنید. در مورد این موضوع وقتی در مورد آموزش‌نامه‌ها صحبت می‌کنیم، صحبت خواهیم کرد.

اما آن نکته چهارم به نوعی به نوعی خبر خوب در مفهوم برزخ در کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی تبدیل می‌شود. پسر، من می‌توانم به بیرون آوردن مادرم از برزخ یا پدرم از برزخ کمک کنم. بنابراین خواهیم دید که چگونه این اتفاق می‌افتد.

خب، حالا به نکته دیگر در مورد برزخ: به نفر باید مسئول همه اینا باشه. به نفر باید تعیین کنه وقتی گناه می‌کنی، چه مجازاتی به خاطر گناهت هست، چه مجازاتی به گناهت ضمیمه شده، و چقدر از اون گناه رو قراره تو این زندگی جبران کنی، چقدر از اون گناه رو قراره تو برزخ جبران کنی. قراره ۲۰ سال، ۴۰ سال، ۱۰۰ سال یا به همچین چیزی باشه؟ آیا راهی برای بیرون آوردن مردم از برزخ وجود داره؟ پس به نفر باید مسئول همه اینا باشه.

یک نفر باید حسابداری همه اینها را انجام دهد. خب، کسی که مسئول برزخ و در نتیجه، زندگی و سرنوشت مردم است، پاپ است. پاپ مسئول برزخ است.

پاپ مدت زمان محکومیت‌ها را تعیین می‌کند. پاپ تعیین می‌کند که چگونه می‌توان محکومیت‌ها را کوتاه کرد. و چگونه می‌توان افراد را از برزخ خارج کرد. همه اینها تحت صلاحیت پاپ، یک نفر است.

خب، این به ذره قدرت برای به نفر حساب میشه، اینطور نیست؟ به نظر من این به ذره قدرته که اون شخص تو دستش داره. اگه اون مسئول برزخ و مسئول سرنوشت همه باشه، قدرت زیادیه. و تو دست به پاپ خوب، بازم قدرت زیادیه، اما تو دست به پاپ بد، این واقعاً، واقعاً مشکل‌ساز میشه، مگه نه؟ در واقع، پاپ قدرت داره، و وقتی به بخشش گناهان برسیم، خواهیم دید که پاپ قدرت بیرون آوردن فوری مردم از برزخ رو داره.

بنابراین، او می‌تواند بگوید، من فوراً کسی را از برزخ بیرون می‌آورم. این قدرت زیادی است، اینطور نیست، که یک نفر بتواند چنین کاری انجام دهد. بنابراین، این موضوع بسیار مشکل‌ساز می‌شود زیرا برزخ به دستگاه پاپی مرتبط است و دستگاه پاپی به برزخ مرتبط است.

آنها به طور جدایی‌ناپذیری به هم گره خورده‌اند. آنها به طور جدایی‌ناپذیری به هم مرتبط هستند. و بنابراین او نه تنها در این دنیا، بلکه در دنیای بعدی و برزخ نیز بر زندگی شما حکومت می‌کند.

او مسئول است، یک نفر، با قدرت زیاد. بنابراین، فکر می‌کنم می‌توان گفت که این کمی مشکل‌ساز می‌شود. بسیار خب، پس بیایید فقط یک دقیقه اینجا توقف کنیم.

اولین قطعه پازل گناه، گناه کبیره، گناه قابل بخشش، دو نوع گناه و غیره است. این اولین قطعه پازل است. قطعه دوم پازل برزخ است که ارتباط زیادی با گناه دارد زیرا جایی است که شما برای جبران مجازات هر گناهی که در این زندگی مرتکب شده‌اید، به آنجا می‌روید.

می‌توانید در این زندگی شروع به از بین بردن آنها کنید، اما هرگز نمی‌توانید آنها را در این زندگی به پایان برسانید. بنابراین به برزخ خواهید رفت. بنابراین، قطعه دوم پازل، برزخ است.

خب، چه کسی می‌خواهد درباره گناه و یا برزخ صحبت کند؟ آیا اینجا برای ما روشن است که چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ آیا تصویری از آنچه در این کلیسای کاتولیک قرون وسطایی می‌گذرد، داریم؟ شاید بخشی از دنیای شما نباشد، اما این دنیای کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطایی بود. چیزی اینجا هست؟ حالتان خوب است؟ بسیار خب، بیایید به سراغ توبه برویم. بیایید به سراغ توبه برویم، و سپس به سراغ آموزش گناهان خواهیم رفت.

خب، سومین مورد از تصویر، توبه است. حالا، دو راه برای توصیف توبه وجود دارد. اول، آن را به عنوان یک آیین مقدس توصیف می‌کنم، زیرا در کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی، توبه یک آیین مقدس بود.

این نوعی نشانه‌ی مرئی از فیض نامرئی خداوند بود. بنابراین، راه دوم فقط نوعی راه عمومی است، اگرچه مرد در خیابان در مورد توبه صحبت می‌کند. این چگونه اتفاق می‌افتد؟ خب، اول از همه، به عنوان یک آیین

خب، به عنوان یک آیین مذهبی، توبه چهار مرحله دارد، حدس می‌زنم ممکن است بگویید. خب، این چهار مرحله است. مرحله اول، گناه شماس است.

خب، همه گناه می‌کنند، پس همه ما در آن قدم اول هستیم. بسیار خب، این اولین قدم بزرگ است، شما گناه می‌کنید. بسیار خب، حالا قدم دوم این است که اعتراف می‌کنید.

خدا تو را رحمت کند؛ به گناهانت اعتراف می‌کنی. قدم دوم این است که پیش کشیش می‌روی و به گناهانت اعتراف می‌کنی. نه تنها گناهان کبیره، گناهان صغیره، فقط به گناهانت اعتراف کن، به تمام گناهانت

منظورم اینه که این قراره شما رو هم پوشش بده، بنابراین خیلی خیلی مهم میشه. خب، مرحله سوم در کل سیستم توبه اینه که شما حالا از کشیش طلب بخشش می‌کنید. کشیش شما رو از گناهانتون تبرئه می‌کنه.

تو آن بخشش را دریافت می‌کنی. او آن بخشش را در مورد تو اعلام می‌کند، و این خوب است. منظورم این است که این چیز فوق‌العاده‌ای است.

مرحله چهارم زمانی است که کشیش برای شما کارهای خاصی را تعیین می‌کند تا در این زندگی انجام دهید تا مجازاتی را که به گناهانتان پیوسته است، جبران کنید. بنابراین، کشیش کارهایی را به شما تعیین می‌کند و اینها، کارهای توبه‌ای هستند که قرار است انجام دهید. بعداً در مورد اینکه این کارها چیستند صحبت خواهیم کرد، اما کشیش قرار است آن کارهای توبه را به شما تعیین کند.

خب، چهار مرحله: گناه، اعتراف، بخشش توسط کشیش، و سپس او قرار است اعمال توبه‌ای را برای شما تعیین کند که باید انجام دهید تا آن مجازاتی را که باید انجام دهید، جبران کنید. حالا، درست طبق این سیستم، به عنوان یک آیین، می‌دانید، سریع و آزاد بازی کنید. فرض کنید که از کشیش جدا شوید، او شما را از گناهانتان بخشیده است، و برخی اعمال توبه را برای شما تعیین کرده است که باید انجام دهید.

فرض کنید که شما اینجا را ترک کنید و تصمیم بگیرید که من این کارهای توبه را انجام نخواهم داد. حتماً دارید شوخی می‌کنید. من اصلاً این کارها را انجام نخواهم داد.

این یک گناه کبیره است. روح شما اکنون به جهنم خواهد رفت تا زمانی که به آن کلیسا برگردید، به آن کشیش اعتراف کنید که اعمال توبه‌ای را که او به شما محول کرده است، انجام نداده‌اید، و بنابراین اکنون باید آن گناه را نیز مانند دیگران اعتراف کنید، و بنابراین به آن بازگشته‌اید. شما نمی‌توانید از چرخه‌ای که در کل آیین توبه وجود دارد، فرار کنید.

نمی‌توانید، چون اگر وقتی بیرون می‌روید سعی کنید این کار را انجام دهید و آن اعمال توبه را انجام ندهید، مرتکب گناه کبیره می‌شوید. اینجا دوباره به نقطه اول برگشته‌اید. بنابراین، اگر یک مؤمن صادق هستید، و اگر یک مسیحی صادق هستید، و می‌خواهید خودتان و خدا را خشنود کنید، باید آن اعمال توبه را انجام دهید.

.چاره‌ی دیگری نداری .پس، این یک چرخه است .یک چرخه‌ی مهم

.چهار قدم .می‌دونی که نمی‌تونی ازش فرار کنی .خب، این توبه به عنوان یک آیین مقدسه

این نوعی درک الهیاتی از توبه است .این نوعی تصویر الهیاتی از توبه است .راه دوم، بیایید فقط توبه را تعریف کنیم و اینکه مردم در کوچه و خیابان چگونه در مورد توبه صحبت می‌کردند

مردم کوچه و خیابان در این چارچوب الهیاتی درباره توبه صحبت نمی‌کردند .مردم کوچه و خیابان فقط به کارهایی که کشیش تعیین می‌کرد، توبه می‌گفتند .آنها می‌گفتند ما داریم توبه می‌کنیم

بنابراین، توبه کردن برای آنها فقط کاری بود که باید انجام می‌دادید .چیزی است که باید برای رهایی از این مجازات از خود نشان می‌دادید .بنابراین، این یک نوع درک بسیار ساده از رهایی از مجازات، انجام توبه بود

خب، حالا سوال در مورد توبه این است که چرا کل این سیستم توبه توسط کلیسا آغاز شد؟ چرا کلیسا این را داشت؟ چرا کلیسا این کار را کرد؟ خب، در واقع آنها یک دلیل کاملاً مثبت برای آغاز توبه توسط کلیسا و آوردن توبه به زندگی کلیسا به عنوان یک آیین مقدس بودند .دلیل مثبت، به نظر من کمی منفی است زیرا شما اعتراف می‌کنید، منظورم این است که شما گناه می‌کنید، اعتراف می‌کنید، آموزش دریافت می‌کنید، سپس باید این کارها را انجام دهید .این برای ما کمی منفی به نظر می‌رسد

اما کلیسا واقعاً دلیل مثبتی برای انجام این کار داشت .دلیل کلیسا برای انجام این کار، حفظ مؤمنان واقعی در آغوش کلیسا بود .ما می‌خواهیم این مؤمنان واقعی را در زندگی کلیسا و در زندگی جامعه حفظ کنیم

ما می‌خواهیم آنها را در حالت لطف الهی نگه داریم .تنها راه برای نگه داشتن آنها در حالت لطف الهی و نگه داشتن آنها با خدا، داشتن این نوع سیستم توبه است زیرا آنها همیشه با کلیسا در ارتباط خواهند بود

آنها همیشه کاری را که کلیسا از آنها می‌خواهد انجام خواهند داد .آنها همیشه بخشی از جامعه کلیسا خواهند بود .بنابراین، اگرچه به نظر می‌رسد که این موضوع تا حدودی منفی است، اما به نوعی دلیل مثبتی برای این امر وجود داشت

یک کشیش خوب واقعاً سعی می‌کند در روستای محل به خدا خدمت کند؛ یک کشیش خوب واقعاً آرزو دارد .که همه آن مؤمنان را در کلیسا نگه دارد و نگذارد گله را ترک کنند، نگذارد گوسفندان گمشده باشند و غیره .بنابراین، یک دلیل مثبت، نمی‌دانم، برای آن وجود داشت .ما باید این را ذکر کنیم تا ما کاملاً، می‌دانید، بچه را با آب حمام با توبه از نظر نحوه تفکر کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی در مورد آن دور نیندازیم

خب، حالا سوال این است که در دنیای کاتولیک رومی قرون وسطی چه نوع توبه‌ای برای شما تعیین می‌شد؟ بگذارید فقط به چند مورد اشاره کنم .خب، شما به گناهانتان اعتراف می‌کنید، و چه نوع توبه‌ای توسط کشیش تعیین می‌شود .من قصد دارم چند مورد رایج را بیان کنم

منظورم این است که فهرست کاملی از روش‌های پرداخت کفاره وجود دارد، اما در اینجا به برخی از موارد رایج اشاره می‌کنیم .برای مثال، روزه گرفتن .یک کشیش ممکن است از شما بخواهد که برای مدت زمان مشخصی روزه بگیرید

بعد از اینکه رفتید، به گناهانتان اعتراف می‌کنید، او شما را از گناهانتان تبرئه می‌کند. یک کشیش ممکن است از شما بخواهد که روزه بگیرید. و در آن روزه، یادآوری می‌شود که شما گناه کرده‌اید، اما اکنون از گناه تبرئه شده‌اید و غیره.

مورد دوم این است که یک کشیش ممکن است از شما بخواهد که به نام مسیح صدقه بدهید. بنابراین، کلیسا را ترک کنید و به فقرا صدقه دهید. دارایی خود را به نام مسیح با فقرا تقسیم کنید.

این می‌تواند یک کار توبه باشد که ممکن است از شما خواسته شود انجام دهید. بنابراین، یک مثال دوم وجود دارد. مثال سوم می‌تواند کارهای رحمت باشد.

برای مثال، اعمال رحمت در میان بیماران، اعمال رحمت در میان فقرا، کمک به اطعام فقرا، چیزی شبیه به این. اما اعمال رحمت، ممکن است کاهن از شما بخواهد که آنها را به عنوان نشانه‌ای از توبه خود انجام دهید. چیز دیگری که، باز هم، من فقط به نوعی چیزهای بی‌ربط اشاره می‌کنم، اما یکی دیگر از اعمال توبه، دعا بود.

یک کشیش ممکن است دعای شما را به خواندن دعای ربانی به تعداد دفعات مشخص و همینطور دعا اختصاص دهد. یک کار پنجم توبه، می‌دانید، هر بار که به این فکر می‌کنم، آیا خوشحال هستید؟ بگذارید فقط بپرسم، آیا خوشحال هستید که در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنید؟ آیا از زندگی در قرن بیست و یکم خوشحال هستید؟ فقط به این فکر کنید که زندگی در دنیای قرون وسطی چگونه خواهد بود. و فکر کنید که آیا مثلاً میگردن دارید، اگر میگردن می‌گیرید یا اگر دندان درد شدید یا آرتروز شدید یا چیزهایی از این قبیل دارید.

می‌دونی، ما می‌تونیم تو دنیای مدرن از پس این چیزا بریبایم. این چیز خوبی نیست؟ منظورم اینه که، این چیز خوبی نیست که می‌تونیم ازش مراقبت کنیم؟ تو دنیای قرون وسطی، شما تمام عمرتون ازش رنج می‌کشیدید. از میگردن رنج می‌کشیدید یا از آرتروز رنج می‌کشیدید یا از انواع بیماری‌ها رنج می‌کشیدید.

تصور کنید، همه شما دندان درد داشته‌اید، اینطور نیست؟ تصور کنید اگر تمام دندان‌هایتان همیشه درد می‌کرد، می‌دانید. شما فقط از آن رنج می‌کشیدید، می‌دانید. دنیای سختی بود.

تصور کنید اگر به هر دلیلی، مثلاً به دلیل بیماری که به دستتان آمده، مجبور شوید دستتان را قطع کنید، می‌دانید، در دنیای امروز، شرایط سخت است، اما چیزهایی مثل بیهوشی وجود دارد. در آن دنیا، می‌دانید دستتان را از بدن خارج می‌کنید، و آنها آن را قطع می‌کنند، و این همان چیزی است که هست و می‌دانید، فقط لبخند بزنید و تحمل کنید، می‌دانید.

خب، اگر عضوی از بدنتان قطع شده، اوه. خب، خوشحالم که در دنیای مدرن زندگی می‌کنم. منظورم این است که از زندگی در دنیای مدرن لذت می‌برم، مخصوصاً وقتی صحبت از دارو و بیماری و درمان و غیره می‌شود. من خوشحالم.

اما یکی از توبه‌هایی که کشیش به شما محول می‌کند این است که صبورانه رنج بکشید، صبورانه رنج بکشید بنابراین اگر از بیماری‌ها، دردها، آلام، امراض و غیره زیادی رنج می‌برید، رنج بردن صبورانه همان چیزی است که از شما خواسته شده است به عنوان نشانه‌ای از توبه خود انجام دهید. و به خاطر تمام رنج‌هایتان به خدا ایراد نگیرید، بلکه صبورانه رنج بکشید، به عنوان چیزی که در این زندگی به عنوان راهی برای توبه به شما داده شده است، و می‌دانید، باید از آن شاد باشید.

خب، این کمی سخت بود. حالا اجازه دهید آخرین راه را ذکر کنم. من آخرین راه را به عنوان مهمترین راه نگه داشته‌ام، بنابراین اینجا به آن اشاره می‌کنم، و سپس وقتی چهارشنبه آینده یا همین حدود برگردیم، به آن خواهیم پرداخت.

خب، آخرین راه توبه، منظورم این است که می‌توانیم خیلی خیلی زیاد فهرست کنیم. مواردی که فهرست کردم فقط مثال هستند. اما آخرین راهی که ذکر کردم مهمترین است.

و آخرین راه، سیستمی است که کلیسا آن را به نام سیستم آموزش‌نامه‌ها آغاز کرد. کلیسا سیستمی از آموزش‌نامه‌ها را به عنوان وسیله‌ای برای توبه مردم تأسیس کرد. حالا ما یک سخنرانی کامل در مورد آموزش‌نامه‌ها داریم.

بگذارید اینجا فقط به اغیار اشاره کنم. منظور ما از اغیار چیست؟ اغیار به معنای بخشش مدت زمان مشخصی در برزخ است. بنابراین اغیار به معنای بخشش مدت زمان در برزخ است.

این کاهش زمان در برزخ است. و کل سیستم آموزش‌نامه‌ها به محض رسیدن به دنیای قرون وسطی و به محض رسیدن به دنیای لوتر و همه چیز، به روش اصلی توبه تبدیل شد. ما در اینجا نگران این موضوع کل سیستم آموزش‌نامه‌ها خواهیم دید، D نخواهیم بود زیرا آن را به عنوان آخرین قطعه پازل، شماره

اما اینجا، فقط برای اینکه به آن در مورد توبه اشاره کنم، باید بگویم که بخشی از سیستم توبه و غیره است. حالا، اجازه دهید فقط به چند نکته اشاره کنم. من اینجا یک چیزی دارم؛ فقط می‌توانم شروع کنم، اما توبه یک سیستم از اعمال است. در مورد توبه و اعمالی که اینجا اتفاق می‌افتد چه اتفاقی می‌افتد؟ خب، به یک معنا، کاری که خدا انجام داده این است که او یک دادگاه به یک معنا روی زمین تأسیس کرده است.

کاهنان بخشی از دادگاه الهی هستند. و کاهنان به عنوان بخشی از دادگاه الهی، کل این سیستم اعمال را بر اساس آنچه که ذکر کردیم، یعنی گناه، اعتراف، آموزش و توبه، برقرار خواهند کرد. بنابراین، کاهنان مسئول این امر خواهند بود.

خب، کاهنان اینجا کمک دارند. و بگذارید فقط نکته‌ی اصلی را اینجا بگویم. نه، ببخشید.

نه، ببخشید. تهنش، اینجاست. بذار فقط به یه کمکی که کاهنان موقع تعیین توبه بهت می‌کنن اشاره کنم.

و این، فکر می‌کنم خودم هم درک کردنش سخت باشد. اما با این وجود، اگر خودمان را به دنیای قرون وسطی برگردانیم، فکر می‌کنم متوجه می‌شویم. به آن آثار فرانکش می‌گویند.

خب. حالا، برای توضیح آثار فرااخلاقی، باید به یاد داشته باشیم که باید خودمان را از دنیای مدرن، دنیای پست مدرن، هر دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، بیرون بکشیم. باید خودمان را از این دنیا بیرون بکشیم.

ما باید ذهنمان را دوباره به دنیای قرون وسطی معطوف کنیم. بسیار خب. اگر در دنیای قرون وسطی زندگی می‌کنید، دارید زندگی را تصور می‌کنید، دارید زندگی در دنیای قرون وسطی را واقع‌بینانه تصور می‌کنید.

می‌دونی، داری بهشت رو با خیابون‌های طلا تصور می‌کنی. داری برزخ رو مثل تصویری که ما از برزخ نشون دادیم تصور می‌کنی. اینجوری داری برزخ رو تصور می‌کنی.

یا شما جهنم را به عنوان افرادی که تا ابد رنج می‌کشند و از این قبیل تصویر می‌کنید. اما روشی که شما برای تجسم جهان به کار می‌برید، روشی تحت‌اللفظی بود. بسیار خب

حالا، بخشی از آن کارِ نَفَس است. پس، اجازه دهید کارهای نَفَس را تعریف کنم. کارهای نَفَس، اعمالِ نَفَسِ اضافی هستند که مقدسین انجام می‌دهند، و این اعمالِ اضافی که توسط مقدسین انجام می‌شوند و شهدا در خزانه‌ای در بهشت ذخیره می‌شوند

برای مثال، مریم مستقیماً به بهشت رفت. کلیسای در اورشلیم وجود دارد که تقریباً در آن مکان ساخته شده است. پس مریم مستقیماً به بهشت رفت

خب. وقتی مریم به بهشت رفت، در طول زندگی‌اش کارهای شایسته‌ی زیادی انجام داد. اما برای رستگاری خودش به آنها نیازی نداشت، می‌بینید، چون نیازی نداشت به برزخ برود

او نیازی به پرداخت تاوان نداشت. او بی‌گناه بود، همانطور که کلیسا تعلیم می‌داد. بنابراین نیازی نبود که برای گناهی که مرتکب شده بود، تاوان بدهد

و او زنی است که در زندگی بی‌گناه خود، کارهای خوب و شایسته زیادی انجام داده است. چه اتفاقی برای تمام آن اعمال شایسته‌ای که او انجام داده است می‌افتد؟ آنها در مکانی در بهشت ذخیره شده‌اند. حال، اگر در دنیای قرون وسطی زندگی می‌کردید، به معنای واقعی کلمه تصور می‌کردید که گنجینه‌ای از شایستگی‌های مریم در آن خزانه ذخیره شده است

و قدیسان و شهدا و پاپ‌ها و همه چیز، کلی کار شایسته اونجا هست. خب. به اینا میگن کارهای فوق سری

،خب، پس، وقتی به گناهانتان اعتراف می‌کنید، و آمرزش دریافت می‌کنید و اعمال توبه به شما داده می‌شود کشیش چه کاری می‌تواند برای شما انجام دهد؟ کشیش همچنین می‌تواند از آن اعمال توبه بهره ببرد و آن شایستگی‌ها را در زندگی شما به کار گیرد. بنابراین اینجا کمی حسابرسی وجود دارد

او از آن گنجینه برداشت می‌کند. او برخی از آن کارها را طوری روی شما اعمال می‌کند که انگار کارهای خودتان هستند. آنها کار شما نیستند، اما قرار است در زمان توبه به شما کمک کنند و به شما کمک کنند زمان کمتری را در برزخ بگذرانید

حالا، از نظر حسابداری، همه این‌ها دقیقاً چطور اتفاق افتاده؟ من هیچ ایده‌ای ندارم چون حتماً یک مشکل حسابداری عظیم بوده است. من کمی در مورد زیاده‌روی‌ها می‌دانم که وقتی در مورد آن صحبت کنیم، به آن خواهیم پرداخت. اما بیشتر این‌ها خیالی است تا واقع بینانه

اما اگر کشیش می‌گفت، من از مریم فضیلت‌هایی می‌گیرم و آنها را در زندگی تو به کار می‌برم، تو آن را باور می‌کردی؛ این برای تو یک حقیقت عینی بود. او لازم نبود آن را به تو ثابت کند. تو آن را باور می‌کردی

این به معنای واقعی کلمه برای شما صادق است. خب، پس او چه کار می‌کند؟ او در توبه به شما کمک می‌کند. او به شما شایستگی‌های اضافی می‌دهد که در زندگی به شما کمک خواهد کرد و این چیز خوبی است

بنابراین، در جایی از این بحث، باید به آثار توبه‌ی متعالی اشاره کنم، و به نظر می‌رسد که اینجا جای طبیعی برای ذکر آنهاست، زیرا آثار توبه‌ی متعالی با کل سیستم توبه مرتبط است. خب، آیا این منطقی است؟ تا

اینجا مشکلی نداریم؟ می‌دانیم که در مورد دنیای مدرن کاتولیک رومی صحبت نمی‌کنیم. ما در مورد دنیای قرون وسطی صحبت می‌کنیم و فقط سعی داریم تصویری از آن داشته باشیم.

خب، ما سخت کار کردیم. خب، به خاطر اینکه خیلی سخت کار کردی، بهت یه روز مرخصی میدن. دوشنبه رو مرخصی میدن.

خب، اونا نمی‌خوان تو خیلی سخت کار کنی. بنابراین، اونا دوشنبه رو بهت مرخصی میدن. پس، چهارشنبه‌ی آینده می‌بینمت.

زمان به سرعت می‌گذرد. آخر هفته خوبی برای روز کارگر داشته باشید. چهارشنبه می‌بینمتان.

من دکتر راجر گرین هستم در درس تاریخ کلیسا، اصلاحات تا به امروز. این جلسه دوم، کاتولیک قرون وسطی است.